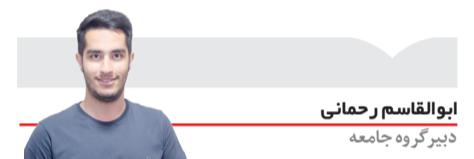




# عراق آماده انتقام

روایت «فرهیختگان»  
از تشییع شهدا  
در کاظمین و بغداد



ابوالقاسم رحمانی  
دبیر گروه جامعه

برای ما کم سن و سال ترها، برای ما که تجربه دهه ۵۰ و ۶۰ را نداریم، برای ما که از بهشتی، رجایی، باهنر و چمران جز چند فریم عکس و چند دقیقه فیلم و صوت چیزی به یادگار نمانده، قاسم سلیمانی همه چیز بود؛ همان که بوستر هایش را به دیوار اتاق می زدیم و تصاویرش را روی میز و جلوی چشممان مان می گذاشتیم تا شاید روزی ما هم او شدیم و برای کمک به مظلومان از جان و مال مان گذشتیم. برای ما سلیمانی فراتر از اسطوره بود و فکر نمی کنیم لغتی هم برای آن در تمام لغت نامه دهخدا و نوشته های نویسندگان شهپر بتوان یافت. برای ما سلیمانی همه آن چیزی بود که وقتی خواب بودیم رفت تا وقتی چشم باز کردیم تمام وحشت دنیای بدون حضورش را تجربه کنیم. اما واقعا نمی شود همه از آن دست داد، نمی شود خوابید و چشم باز کرد و حاج قاسم را نداشت. نمی شود تمام فریم های تصویرش، دلجویی هایش از فرزندان شهدا، حرف های جذابش پشت بیسیم در خط مقدم و تمام صلابت حضورش را از یاد برد. نمی شود این همه شکوه از عراق و سوریه و یمن تا کشمیر و

پاکستان و قلب اروپا را دید و از کنارش عبور کرد. سلیمانی همه آن چیزی بود که من و هم نسل های قبل و بعد از من دوستش داشتیم و به او افتخار می کردیم و می کنیم، فارغ از تمام جریان ها و اختلافات و سوگیری ها، سلیمانی برای همه ما بود. کاش همین حالا که من می نویسم و همین امروز که شما این نوشته را می خوانید، دستی محکم به صورت مان بخورد یا یک آب سردی به صورت مان پاشیده شود و همه از خواب بیدار شویم و بگویند سلیمانی هست، فاطمه نزدیک است و همین شب ها تصاویرش در حسینیه امام خمینی (ره) در کنار رهبر انقلاب منتشر خواهد شد. مگر می شود در خیابان ها قدم زد و فقط به حلقه های شهادت حاج قاسم نگاه کرد. چه کسی باور می کرد؟ او به آرزوی رسید، شهید شد اما ما بزرگترین آرزویمان را از دست دادیم. حاج قاسم برای ما همیشه هست، هیچ کدام از ما نمی توانیم سلیمانی باشیم، همان طور که هیچ کداممان بهشتی نشدیم، رجایی و باهنر نشدیم، چمران و همت وزین الدین نشدیم، هیچ کدام سلیمانی هم نمی شویم و سهم ما از تمام این نبودن ها فقط افسوس و حسرت خواهد بود. نوشتن از سلیمانی افتخار هر کسی است که ادعای دست به قلم بودن دارد، اما نوشتن از نبودن سلیمانی جام زهری است که نوشیدنش فقط با توجیه شهادت ممکن می شود و من محکوم به نوشیدن این

جام زهر و محکوم به مخابره اخباری هستم از نبودن حاج قاسم؛ همان فرمانده دلآوری که عده ای محدود برای نبودنش هلهله می کنند، چون کابوس ششان دنیا را ترک کرده و عده ای هم در نبودنش به سر و سینه می زنند چون آرزوهایشان را از دست رفته می بینند و من بین هر دوی اینها حیران و سرگردان در بنیال یک نقطه عطف و یک دلیل صبر می گردم تا شاید درهای این قلب های اندوهگین را کمی آرام کنم. از حافظ تا چهارراه ولیعصر قدم می زدم، در فکر نبودن سلیمانی تمام دنیای من سراسر هوار شده بود، حلقه های بیشتر از هر زمان و هر حلقه دیگری ناراحت کننده بود. سیدرضا نرمانی همان نوای همیشگی را تکرار می کرد: «منم باید برم، آره برم سرم بره...» آن طرف تر حنیف طاهری می خواند، «الرحیل، الرحیل...» جلوتر کریمی روضه حضرت عباس (ع) می خواند و باز از همه اینها بیشتر بهت مردم بود که جلب توجه می کرد. آن عظمت، مگر می شود که نباشد. مردم سنگ تمام گذاشته بودند اما تمام این سنگ تمام گذاشتن ها هم کم بود. مثل انتقام خونش، انگار خون بهایی برای سلیمانی نیست. آنقدر خوب، آنقدر خاص و منحصر به فرد که نمی دانیم این ضرر را چطور جبران کنیم. تا میدان انقلاب را که من قدم می زدم اوضاع همین بود، موبکها برپا شده بودند، انگار محرم بود، جوانان با چشم اشک آلود داربست ها را محکم می کردند و

به شیشه عقب اتومبیل ها بوستر حاج قاسم را می زدند. نوجوانان شابلون رنگ به دست روی ماشین های نوشتند پایان مأموریت یک بسیجی شهادت است. اما خب باز هم هیچ کس آرام نبود. نمی دانم آخرین بار کی این همه یکدستی را دیده بودم، آخرین بار کی دیده بودم که تمام روزنامه ها، تمام رسانه ها و تمام جریانات، جز احق های همیشگی، یک چیز را بنویسند و اندوهگین از نبودن یک نفر باشند. حتما به سن و ذهن من نمی رسد که از روزگار نبودن امام (ره) بنویسم، اما سلیمانی حلقه اتصال و اشتراک ما و تمام رسانه ها و مردم بود. صفحه اول همه روزنامه ها تصویری از این سردار رشید اسلام بود، همه در سوگ سلیمانی و همه در بهت نبودنش بودند و این حال عجیب ساعت ها است مثل یک بغض عجیب گلوی ما را گرفته است. نمی دانم هر کسی در چه اندیشه ای این غم را فراموشی خورد و همچنان برق اندکی از امیدواری در چشمانش مانده است، اما آنچه دیدم و شنیدم همه منتظر یک مساله اند و آن هم انتقام است. به قول یکی از دوستان کاش فردا که چشمان مان را باز می کنیم اعلام کنند مساجد برای اعزاز رزمندگان به جبهه ثبت نام می کنند؛ این شاید غایت مطالبه تمام خونخواهان حاج قاسم سلیمانی است، همان هایی که این دور روز را در حسینیه ها به عزاداری نشستند و در فرودگاه تحسین کردند که برای انتقام عازم محل شهادت شوند. هرچه

هست، فقط همین انتقام می تواند فصل مشترک مطالبه گران مردم ایران باشد؛ مردمی که سال ها است نماد امنیت شان حاج قاسم است. به اندازه تمام این سال ها می توان نوشت، آنقدر حاج قاسم مان دوست داشتنی و مقتدر بود، آنقدر مفید و فعال، آنقدر مردمی و معقول که هرچه از افعال و کنش هایش بنویسیم چیزی که تمام می شود، جوهر و کاغذ است، نه محتوا. اما خب برای همین تمام نشدن محکوم به نوشتن به حد وسیع خودمان هستیم، محکوم به انتشار اخباری از عراق، بغداد، کربلا و نجف و کاظمین که زودتر از ما ایرانی ها میزبان پیکر مطهر سلیمانی بودند و چه میزبانی باشکوهی، چه رجزخوانی باصلابتی و چه میهمان نوازی خارق العاده ای. واقعا نام چند نفر را می توان نوشت که حضوری امنیت کشورش را فرسخ ها آن طرف تر از مرزها تامین کرد و نبودنش حزن را تا همان فرسخ ها آن طرف تر از مرز کشورش کشاند و مردم را به خیابان ها آورد تا در سوگ پرکشیدنش به سر و سینه بزنند و این طور بی تابی کنند؟ سلیمانی حالا که من از او می نویسم در حال تشییع در عراق و طواف شرح حسین بن علی است و احتمالا امروز که شما می خوانید وارد کشور شده و مردم اهواز و مشهد و تهران میزبان او خواهند بود تا همچون پروانه به دورش حلقه بزنند و نبودنش را بیش از خبرها و عکس ها و دست از تن جدا شده اش با پوست و استخوان ترک کنند.

## روایت میدانی از تشییع شهدا در عراق

نامی ها و تحولات عراق مانع شد سعادت حضور در مراسم تشییع این سردار بزرگ اسلام را در خاکی که خونش در آن به زمین ریخته شد، به دست آوریم. برای همین و برای شرح آنچه در عراق با پیکر سلیمانی و سرباز خلفش ابومهدی المهندس گذشت، با یکی از خادمان حرم حضرت اباعبدالله الحسین (ع) گفت و گو کردیم تا از فضای موجود و استقبال مردم عراق از پیکر حاج قاسم سلیمانی در بین الحرمین برای ما بگوید. میرزا حسن زبیدی که در صفحه شخصی اش در اینستاگرام هم فیلم هایی از تشییع باشکوه حاج قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس منتشر کرده است، به «فرهیختگان» می گوید: «اینجا فضا، فضای خاص و عجیبی است. خیلی از سوگواران، خیلی از مردم حسی شبیه کسانی دارند که پدرشان را از دست داده اند. سلیمانی کسی بود که برای آنها، برای امنیت و صلابت شان جنگید و مردم عراق هم برای همه اینها، برای آن دست دادن پدرشان اندوهگین هستند. سلیمانی چهار سال در عراق بود و با تدبیر و هدایت او و رشادت رزمندگان حشد الشعبی سایه شوم داعش از سر عراق برچیده شد. شهادت ابومهدی المهندس هم که یکی از دوستان قدیمی حاج قاسم بود و یک روز و یک جا و در یک زمان با هم به شهادت رسیدند، مردم عراق را اندوهگین کرده است. جمعیت بسیار زیادی برای تشییع

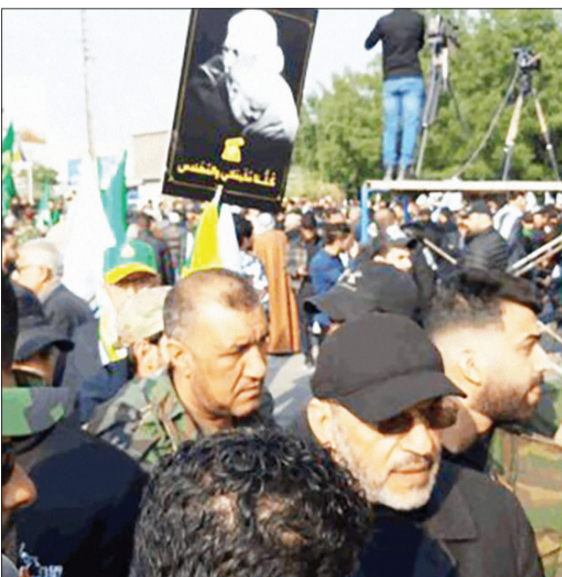
آمده اند و مردم بسیار اندوهگین، خشمگین و عزادار هستند. فیلم هایی برای شما ارسال می کنم تا این شکوه و جمعیت عجیب را ببینید. وظیفه ما این است که ادامه دهنده راه این شهدا باشیم. هزاران حاج قاسم دیگر به برکت خون این شهدا تربیت خواهند شد و به یاری مظلومان خواهند آمد. ما باید رویه روی دشمن بایستیم، مثل حاج قاسم، مثل شهید حججی، مثل ابومهدی المهندس و تمام شهدایی که تا پای جان در برابر استکبار ایستادگی کردند. دشمنان وقتی اسم شیعه را می شنوند حساب کار دست شان می آید. آرزوی من بود که یک بار حاج قاسم را ببینم، خصوصا وقت هایی که به حرم می آمدند اما خب قسمت من نبود، ابومهدی المهندس را چندباری در بین الحرمین از نزدیک دیدم و باورم نمی شد. واقعا انسان عجیبی بود. نکته جالب این بود که هیچ محافظی همراهش نبود و من از همین تعجب می کردم که تنهایی به زیارت آمده است. این دو عزیز به آن چیزی که می خواستند، رسیدند و شهید شدند. مردم عراق امروز سنگ تمام گذاشتند و با همه وجود از این شهدای والامقام میزبانی و پیکر این عزیزان را تشییع کردند. جوضد آمریکایی هم به شدت وجود دارد و از روزها قبل شعارهای مردم عراق در ضدیت با حضور آمریکا در عراق را می شنویم و شاهد آن هستیم.»

## آمریکا (ما بقی بعد)

سواي روايت میدانی این خادم حرم حضرت اباعبدالله روایت های رسمی از سوی رسانه های بین المللی هم از این تشییع بی نظیر و باشکوه قابل تامل و توجه است. مراسم تشییع پیکرهای مطهر شهدای حادثه تروریستی ۱۳ دی ماه که منجر به شهادت حاج قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس و ابومهدی المهندس معاون سازمان حشد الشعبی عراق و تعدادی از همراهان شان شد، روز گذشته از فرودگاه المثنی در بغداد آغاز و پس از گذشتن از شهر کاظمین در کربلا و نجف اشرف ادامه یافت. در جریان این مراسم، هزاران عراقی شعارهای «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل»، «الله، الله اکبر، آمریکا الشیطان الاکبر» و «هذا وعد... هذا وعد... آمریکا ما بقی بعد» سر دادند. بعد از آن پیکر شهدای حشد الشعبی در وادی السلام در نجف اشرف به خاک سپرده شد. به گفته رسانه ها حضور مردم عراق در سال های اخیر برای تشییع شخصیت های برجسته بی سابقه بوده است.

## حضور مسئولان عراقی در مراسم تشییع

در مراسم تشییع سردار سلیمانی و شهدای حشد الشعبی هادی العامری، دبیرکل سازمان بدر و جانشین احتمالی ابومهدی المهندس و نیز ابوالآء الولائی، دبیرکل گردان های سیدالشهدا نیز حضور یافتند. عمار حکیم رئیس



حضور مقامات مختلف کشور عراق در مراسم تشییع پیکر شهدای حادثه تروریستی ۱۳ دی